

صیانت و پیشگیری از جرم و گناه از منظر قرآن کریم و راه‌های نهادینه کردن آن در بین کارکنان پلیس

عباس عصاریان^۱

مهدی جراحی دربان^۲

چکیده

در طول تاریخ بشر، جرم، گناه، کج روی اجتماعی و عدم رعایت هنجارها و ارزش‌ها در سطح جامعه باعث بروز مشکلات متعددی گردیده و همیشه بشر در اندیشه صیانت از فرد و پیشگیری از وقوع جرم و گناه بوده است. نیروی انتظامی با توجه به این‌که مسئول حفظ آرامش و برقراری نظم و امنیت عمومی می‌باشد و به دلیل مبارزه با آلودگی‌های اجتماعی و مجرمان و بزه‌کاران، مأموران نیروی انتظامی در معرض آسیب‌ها و انحرافات قرار دارند. این مهم، مسئولان و مدیران ارشد را به اندیشه راهکارها صیانت از کارکنان ناجا و پیشگیری از وقوع جرم و گناه بین آنان واداشته است. هدف از نگارش این مقاله تبیین صیانت و پیشگیری از جرم و گناه از منظر قرآن کریم و راهکارهای نهادینه کردن آن در بین کارکنان ناجا می‌باشد. روش این پژوهش از نوع بنیادی بوده و به دلیل کیفی بودن بررسی‌ها و مطالعات از روش توصیفی، کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده نموده است.

یافته‌ها و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که صیانت قرآنی نظر به پیشرفت و تعالی انسان‌ها دارد و راهنمایی‌های قرآن با هدف جلوگیری از سقوط انسان به ورطه انحراف و جرم است و به همین دلیل خدای متعال در قرآن کریم با شیوه‌های مختلفی پیام قرآن را که شفا، رحمت، موعظه و هدایت برای مؤمنین و خسران برای زیان‌کاران است به انسان‌ها ابلاغ می‌کند. قرآن با دستور به مجازات مجرمان پیشگیری کیفری و جزایی را مطرح می‌سازد. مشخص بودن مجازات برای جلوگیری از وقوع جرم بسیار موثر است چون هم رنج آور است و هم رسواکننده مجرم وقتی این‌گونه قوانین وجود داشته باشد ترس از مجازات می‌تواند مانع عملکرد مجرمان شود. اگر مجرم از عواقب عملش آگاه باشد و بداند که برای تخطی او قانون وضع شده و این قانون بدون هیچ‌گونه سهل‌انگاری اجرا می‌شود، خود را آزاد در انجام هر جرمی نمی‌داند. پس وجود قانون‌های اطلاع‌رسانی و در درجه بعد اجرای قاطعانه قوانین مانعی برای بروز جرم است.

کلیدواژه‌ها: صیانت، پیشگیری، جرم، گناه، نیروی انتظامی، مأموران پلیس.

مقدمه

از آن روز که آدم با وسوسه شیطان عصیان کرد: «...فَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ» (طه، ۱۲۱) و میوه ممنوعه را خورد و به کیفر این عمل از بهشت رانده شد و در زمین جای گرفت باب گناه گشوده شد و در همان آغاز پسر آدم، قابیل، برادرش هابیل را کشت و بزرگ‌ترین جرم را در روی زمین مرتکب گشت، لذا آفت سعادت انسان که جرم و گناه بود، شکل گرفت، چرا که گناه، ماده وجود آدمی را فاسد و آن را از خاصیت می‌اندازد. گناهکاران در دنیا نزد مردم بی‌ارج و ارزش و در آخرت در پیشگاه خدا و صالحان خجل و شرمندند. حتی این گروه در برابر وجدان خود احساس خفت و خواری می‌کنند. لذا بر هرکسی که طالب آرامش در برابر وجدان، عزت و سربلندی در میان مردم و سعادت و سرفرازی در محضر خداوند است، لازم است تا جداً از گناه و معصیت دست بکشد و به هیچ وجه مرتکب جرم و جنایت نشود دیر زمانی نیست که اندیشه حقوقی مبتنی بر صیانت و پیشگیری، در میان جوامع علمی و حقوقی کشورهای مختلف رواج یافته است و در این مسیر، پیشرفت‌هایی نیز داشته‌اند؛ اما با نگاهی به آموزه‌های دینی درمی‌یابیم که آنچه امروزه از آن به عنوان صیانت و پیشگیری از وقوع جرم یاد می‌شود در تار و پود پیام‌های آسمانی و رهنمودهای انبیاء و اولیای الهی تنیده شده است؛ تا آنجا که می‌توان رسالت دین را رهایی انسان از تباهی، فساد و گمراهی دانست.

^۱ کارشناسی ارشد عقیدتی سیاسی.

^۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی.

همان طور که می دانیم صیانت و پیشگیری از جرم، مهم ترین و کارآمدترین راه مبارزه با جرم است. از سوی دیگر مبانی، نظریه ها و تعاریف برای جرم و بزهکاری؛ ما را به راهکارهایی برای پیشگیری از جرم و گناه رهنمون می سازد که از جمله مهم ترین منبع آن، گونه جدید پیشگیری قرآنی است که باید پاسخ گوی نیازهای امروز و مشکلات ایجاد شده در حوزه جرم و گناه باشد. ما در تحقیق حاضر به دنبال ارائه راهکارهای قرآنی جهت پیشگیری بوده و با استفاده از قرآن کریم که مهم ترین و اصلی ترین منبع تعلیم و تربیت می باشد، روش هایی جهت پیشگیری از جرم و گناه از منظر قرآن مجید ارائه، ارزیابی و تحلیل می نماییم.

تعریف کلیدواژه ها

۱- صیانت

به معنای حفظ کردن، نگاه داشتن و نگاهداری می باشد و به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که هدف آن حفظ سرمایه های انسانی سازمان با تقویت عنصر بازدارندگی درونی از طریق ترویج فرهنگ صحت عمل، ارشاد و آگاه سازی کارکنان می باشد و در جای دیگر صیانت به مجموعه اقدامات، سیاست ها و تدابیر متخذه که به منظور حفظ و نگهداری سازمان و کارکنان ناجا در برابر تهدیدها و آسیب پذیری ها صورت می پذیرد را صیانت یا ملاحظات صیانتی گویند (دستورالعمل اجرایی آیین نامه تشویق فرماندهان، رؤسا و مدیران در زمینه کاهش جرائم و تخلفات، ۱۳۸۹: ۳).

صیانت مفهوم عامی است که در دین مبین اسلام به آن اهتمام ویژه ای شده است و در تمامی احکام مدنظر بوده است و شاید بهترین واژه ای که بتواند معنای صیانت را برساند کلمه تقواست. صیانت نوعی پادتن است که فرد به واسطه آن نفس خود را مصونیت می بخشد و آینه دل خود را به وسیله آن جلا می بخشد. بنابراین برای تداعی بهتر مفهوم صیانت، نیاز است تا با آشنایی با کلمه تقوا به آن پرداخته شود. تقوا و کلمات هم خانواده آن در قرآن، به صورت اسمی و فعلی به دفعات زیاد بیان شده است و از جمله کلید واژه هایی است که نزدیک ترین معنا را با صیانت دارد.

بنابراین صیانت به معنای حفاظت و نگاهداری است که اسم فاعل آن (صائن) به معنی نگهدارنده از فساد و اسم مفعول آن (مصون) به معنی درامان شده می باشد.

۲- پیشگیری

واژه پیشگیری در مفهوم متعادل آن در معانی «پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلو چیزی شتافتن» و همچنین «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است و برابر مفهوم کلی، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد پیشگیری محسوب می شود (نسل: ۳۴-۳۵).

۳- جرم

برابر ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقرر می دارد: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود» (ایران شاهی، ۲۷: ۱۳۸۹).

۴- گناه

گناه به معنای خلاف است و در اسلام هر کاری که برخلاف فرمان خداوند باشد، گناه محسوب می شود. گناه هر چند کوچک باشد، چون نافرمانی خدا است، بزرگ است (قرائتی، ۶: ۱۳۸۶-۷).

صیانت در قرآن کریم

با توجه به اینکه در قرآن کریم به صورت مستقیم به لفظ صیانت و مشتقات آن اشاره نشده و موارد صیانتی بیشتر به لحاظ محتوا و معنایی می بایست از آیات شریفه قرآن استنباط گردد، لذا سعی شده بیشتر واژه های مترادف و آیاتی که به لحاظ مفهومی به موضوع مذکور نزدیک تر می باشد در این قسمت جمع آوری شود تا ان شاء الله.. مفید فایده قرار گیرد که در ادامه به آن می پردازیم:

۱- هدایت و صیانت

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ ما را به راه راست هدایت کن.» (الحمد، ۶)

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ؛ راه کسانی که ایشان را نعمت داده ای، نه خشم گرفتگان بر آنها و نه گمراهان.» (الحمد، ۷)

انسان موجودی متفکر و مختار است که کمال او در پرتو تشخیص حق و عمل به آن است. تشخیص حق از باطل در بین آرای متضارب و مکاتب متقابل و انتخاب احسن آنها بسیار دشوار است؛ چنانکه تطبیق عملی بعد از تحقیق علمی کاری است بسیار سخت (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱، ۵۱۴).

صراط مستقیم، محققانی موشکاف می خواهد تا وظیفه باریک تر از مو را تشخیص دهند و براساس آن حرکت کنند و این کار از راه رفتن روی لبه تیز شمشیر دشوارتر است. به هر صورت کسی که علمی آن چنان و عملی این چنین دارد در بستر صراط مستقیم است و در سایه صیانت فطرت راستین و رعایت تقوا می توان چیزی را که از مو باریک تر است در تاریک تر از شب تشخیص داد و بر چیزی که از شمشیر تیزتر است در تاریک تر از شب به سلامت گذشت (همان).

۲- اقامه نماز و صیانت

«الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ قطعاً نماز، (شخص نماز گذار را) از زشتی و گناه باز می دارد.» (عنکبوت / ۴۵) «الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ قطعاً نماز، (شخص نماز گذار را) از زشتی و گناه باز می دارد.» (عنکبوت / ۴۵). نماز در فرهنگ وحی الهی ستون دین است از این رو از صیانت و مراقبت و سلامت آن به «اقامه» تعبیر می شود؛ زیرا ستون، برپاداشتنی است، نه خواندن. مراد از اقامه نماز، بر پاداشتن و احیای نماز در جامعه و به جا آوردن حق نماز با رعایت همه شرایط ظاهری و باطنی آن و عدم اکتفا به شکل ظاهری آن است. امرکردن اهل کتاب به اقامه نماز مسلمانان، نه اصل نماز که حقیقتی مشترک، واحد و تغییرناپذیر در همه ادیان است، گواه مکلف بودن کافران به فروع است، آن چنان که ملزم به پذیرش اصول هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴، ۱۱۰).

۳- عفاف و صیانت

«أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثِ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى الْاَيْلِ وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ برای شما در شب های ماه رمضان مباشرت با زنان خود حلال شد، که آنها جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت آنها هستید و خدا دانست که شما (در کار مباشرت زنان به نافرمانی و اطاعت شهوت نفس) خود را به ورطه گناه می افکنید لذا از حکم حرمت درگذشت و گناه شما را بخشید، از اکنون (در شب رمضان) رواست که با زن های خود (به حلال) مباشرت کنید و از خدا آنچه مقدر فرموده بخواهید و بخورید و بیاشامید تا خط سفیدی روز از سیاهی شب در سپیده دم پدیدار گردد، پس از آن روزه را به پایان برسانید تا اول شب و با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید. این احکام، حدود

دین خداست، زنهار در آن راه مخالفت مپوید! خداوند این گونه آیات خود را برای مردم بیان فرماید، باشد که پرهیزگار شوند» (البقره/۱۸۷).

در این تشبیه لطیف (تشبیه همسر به لباس)، نکات تربیتی و صیانتی دقیقی است که برخی از آنها بدین شرح است:

۱. لباس عیوب انسان را می‌پوشاند و آبرو را حفظ می‌کند. زن و شوهر نیز باید عیوب هم را بپوشانند و آبروی اجتماعی یکدیگر را حفظ کنند.

۲. لباس، انسان را از گرما و سرما و... حفظ می‌کند. زوجین نیز باید در حوادث تلخ و شیرین و گرم و سرد زندگی، موجبات دلگرمی هم را فراهم کنند.

۳. میان لباس و کسی که آن را پوشیده رابطه‌ای تنگاتنگ و صمیمی است که بیگانه میان آن دو راه ندارد. رابطه زوجین نیز باید چنین باشد تا بیگانه‌ای به درون زندگی آنان راه نیابد که به اسرارشان پی برده، احیاناً فتنه‌گری کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۹، ۴۶۰).

۴- اعتصام و صیانت

از واژگانی که با «صیانت» نسبت معنوی دارد، واژه «اعتصام» است. اعتصام هم در مسائل شخصی و فردی موجب صیانت نفس و رهایی از خطیئه می‌شود و هم باعث رهایی سازمان و جامعه از تشخیص نادرست در ارزش‌ها شده و ره آورد عصمت جمعی را به همراه دارد. اعتصام و پناه بردن به کسی که معصوم و مصون از خطا و عصیان است، عصمت و خودکترلی را دربردارد (سید تاج الدینی؛ مجرد، ۱۳۹۱: ۵۵).

مفهوم شناسی اعتصام: «اعتصام» در لغت به معنی اراده نگهداری از خویش و رفع آسیب است که به دلالت التزام چنگ زدن به چیزی است که نگهدار و مدافع انسان در برابر خطر و زیان باشد.

«اعتصام» برگرفتن وسیله حفظ و دفاع، اراده عصمت بخشیدن به خود و حفظ خویشتن از چیزهای زیان بار است. (همان، ص ۱۵۴) صاحب مجمع البحرین گوید: «اعتصام» پناه بردن عاجزانه به خدا از راه اطاعت و بندگی است (طریحی، ۱۳۶۳: ۶، ۱۱۶). شیخ کبیر علامه قیصری می‌نویسد: «اعتصام» برگرفته از عصمت و آن نیز ایمنی به وسیله اسمای «عاصم» و «حفیظ» است (ابن سینا، ۱۳۷۷: ۳، ۳۰۷۹).

اعتصام انواع مختلفی دارد که به دو نوع آن اعم از ۱- اعتصام به ریسمان خدا و ۲- اعتصام به ذات اقدس الهی می‌توان اشاره نمود که در ادامه به توضیحات آن می‌پردازیم:

۱- به ریسمان خدا: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند باشد که شما راه یابید» (آل عمران/۱۰۳).

۲- به ذات اقدس الهی: «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَّلَّةً أَيْبِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَ فِي هَٰذَا لِيُكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» و در راه خدا کارزار کنید چنان که سزاوار کارزار کردن برای او است او شما را برگزید و در این دین برای شما دشواری ننهاده آیین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش و هم در این قرآن مسلمان نام داد تا این پیغمبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید پس نماز گزارید و زکات دهید و به خدا تکیه کنید که او مولای شما است و چه خوب مولا و چه خوب یاور است» (الحج/۷۸).

از واژگانی که با «صیانت» نسبت معنوی دارد، واژه «اعتصام» است. اعتصام هم در مسائل شخصی و فردی موجب صیانت نفس و رهایی از خطیئه می‌شود و هم باعث رهایی سازمان و جامعه از تشخیص نادرست در ارزش‌ها شده و ره آورد عصمت جمعی را به

همراه دارد. اعتصام و پناه بردن به کسی که معصوم و مصون از خطا و عصیان است، عصمت و خودکنترلی را دربردارد (سید تاج الدینی؛ مجرد، ۱۳۹۱: ۵۵).

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی اعتصام معلوم می شود که اعتصام وسیله ایمنی بخش برای نجات از عوامل تهدید کننده و آسیب زا است. راه برون رفت از اسارت دنیا و سقوط در سیاه چال طبیعت، درگرو اعتصام به ریسمانی است که یک سر آن در دست خداوند عاصم و سر دیگرش در دسترس انسان معتصم است. نکته قابل ذکر این که اعتصام به معنای گرفتن و چنگ زدن به چیزی است که خودش ایمن بوده و به گیرنده اش ایمنی و آرامش ببخشد. پس "معتصم به" باید "مصون" و "معصوم" باشد تا "صائن" و "عاصم" دیگران گردد. هم نلغزد و هم لغزش دیگران را بگیرد (همان: ۵۶).

۵- محکم کاری و صیانت

در آیات ۲۸۲، ۲۸۴ و ۲۸۳ سوره مبارکه بقره در خصوص این موضوع چنین بیان شده است:

" ای کسانی که ایمان آورده اید، چون وامی تا مدتی معین به یکدیگر دهید، آن را بنویسید. و باید در بین شما کاتبی باشد که آن را به درستی بنویسد. و کاتب نباید که در نوشتن از آنچه خدا به او آموخته است سرپیچی کند و مدیون باید که بر کاتب املاء کند و از الله، پروردگار خود بترسد و از آن هیچ نگاهد. اگر مدیون سفیه یا صغیر بود یا خود املاء کردن نمی توانست، ولی او از روی عدالت املاء کند و دو شاهد مرد به شهادت گیرید. اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن که به آنها رضایت دهید شهادت بدهند، تا اگر یکی فراموش کرد دیگری به یادش بیاورد. و شاهدان چون به شهادت دعوت شوند، نباید که از شهادت خودداری کنند و از نوشتن مدت دین خود، چه کوچک و چه بزرگ، ملول مشوید. این روش در نزد خدا عادلانه تر است، و شهادت را استواردارنده تر و شک و تردید را زایل کننده تر و هر گاه معامله نقدی باشد اگر برای آن سندی بنویسید مرتکب گناهی نشده اید و چون معامله ای کنید، شاهدی گیرید و نباید به کاتب و شاهد زبانی برسد، که اگر چنین کنید نافرمانی کرده اید. از خدای بترسید. خدا شما را تعلیم می دهد و او بر هر چیزی آگاه است» (البقره/۲۸۲).

"هرگاه در سفر بودید و کاتبی نیافتید، باید چیزی به گرو گرفته شود و اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، آن کس که امین دانسته شده امانت را بازدهد و باید از الله، پروردگارش بترسد و شهادت را کتمان نکنید. هر کس که شهادت را کتمان کند، به دل گناهکار است و خدا از کاری که می کنید آگاه است» (البقره/۲۸۳).

" از آن خداست هر چه در آسمانها و زمین است. آنچه را که در دل دارید خواه آشکارش سازید یا پوشیده اش دارید، خدا شما را بدان بازخواست خواهد کرد. پس هر که را که بخواهد می آموزد و هر که را بخواهد عذاب می کند و خدا بر هر کاری تواناست» (البقره/۲۸۴).

در آیات گذشته، مؤمنان به انفاق تشویق، از ربا منع، به امهال ترغیب و از استعجال و تحمیل فشار، ترهیب و منع شدند. در این آیه کریمه (۲۸۲)، در ادامه بیان مسائل مالی اسلام، خدای سبحان مؤمنان را به نوشتن و شاهد گرفتن بر داد و ستدها، به ویژه معاملاتی که یک طرف آن نقد (عین) و طرف دیگرش نسبه (دین مدت دار) است، رهنمون می سازد.

تأکید بر ثبت این گونه معاملات و تنظیم سند معتبر و نیز شاهد گرفتن از آن روست که این کار افزون بر صیانت از اموال و رعایت حقوق طرفین، بهترین راه برای جلوگیری از اختلاف، سوء استفاده، خیانت، کلاه برداری و... است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲، ۶۱۴).

۶- تقوا (صیانت)

۱ - «اتقاء» یعنی وقایه، تقوا برحسب لغت، مطلق صیانت و نگهداری هر چیزی از هر امر ناپسند را شامل می شود، خواه ناپسند بودن آن، شرعی باشد یا عرفی. و اعم از آن که دلیل آن عقلی باشد یا نقلی. همچنین عبارت است از توجه به حق و جریان طبیعی و روال عادی عمل. چنان که فجور در مقابل تقوا قرار دارد:

«فألهمها فجورها وتقویها؛ پس فجور و تقوای نفس را به او الهام کرد» (الشمس ۸).

دریدن این اعتدال و خارج شدن از جریان طبیعی و روال، متعارف است. «والتقوى تختلف خصوصياته باختلاف الموارد والجامع هو صيانة الشيء عن المحرمات الشرعية والعقلية والتوجه إلى الحق وإلى تطهير العمل و إلى الجريان الطبيعي المعروف و...» (التحقيق، «وقی»)

بنابراین، تلاش برای حفظ اعتدال و خارج نشدن از جریان طبیعی و روال متعارف که با اطاعت از اوامر و نواهی الهی تحقق پیدا می‌کند، همان تقوا، صیانت و سپر گرفتن است. همان‌گونه که مواظبت بر اوامر و نواهی عقلی و عرفی چنین است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۹۳).

از این جهت امام صادق (ع) فرمود: تقوا آن است که خدا تو را در واجبات و اوامر خودش حاضر و در منہیات و محرّمات خود غایب ببیند؛ «أن لا يفقدك الله حيث أمرک ولا يراک حيث نهاک» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷، ۲۸۵).

بدین ترتیب تقوا، عصاره و خلاصه تمام فضایل و پرهیز از هرگونه رذیلت است. در نتیجه می‌توان گفت: عَلم تقوا در حقیقت عَلم هرگونه فضیلت و به عبارت دیگر مرز ارتکاب حلال و اجتناب حرام است و این، همان است که در زیارت حضرت علی (ع) از آن حضرت به عنوان میزان اعمال یاد شده است: «السلام علی میزان الأعمال» (همان: ۹۷، ۲۸۷).

شیوه های صیانت

همان‌طور که در معنا و مفهوم صیانت گفتیم عبارت است از حفاظت و نگهداری، خویشتن داری و بازداشتن خویش از امور ناگوار و ناشایست و هراس انگیز که می‌تواند از نوع شر و آفات مادی و محسوس همچون آتش، زلزله و ... باشد و نیز می‌تواند در امور معنوی که در عرف مردم و یا در فرهنگ قرآن ناپسند است، باشد مانند: ظلم و ستم، گناه و معصیت، خیانت، خبائثت، شرک و... لذا برای اجرایی نمودن صیانت نیاز به روش‌هایی می‌باشد تا به وسیله آن بتوان در رسیدن به نتیجه مطلوب و مورد نظر که هدف و غرض اصلی از صیانت است دست یافت که این شیوه‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱- شیوه علمی

عبارت است از افزایش شناخت و آگاهی نسبت به باورها، اعتقادات و رشد و تعالی عملی آن‌ها که محصول آن شناخت صحیح و آگاهانه از معارف و حقایق دینی است. هرچه انسان بتواند مطالعات دینی خود را در این زمینه بالا برده و با برهان و استدلال عقلی، اصول دین را برای خود اثبات نماید به همان میزان انحراف او در عمل کاهش می‌یابد. همچنین تدبر و تأمل در آیات الهی موجب تقویت محبت الهی گردیده و عاملی موثر در نتیجه نهایی آن که ایمان به خداوند متعال است می‌باشد.

راه‌های صیانت در حوزه نظری و علمی می‌تواند به شرح ذیل باشد:

- ۱- راه یابی به مرتبه عقل عارف و نفس عزوف؛
- ۲- راه یابی به مقام اخلاص و مرتبه مخلصین؛
- ۳- مراقبت از خود؛
- ۴- ذکر و یاد خدا؛
- ۵- یقظه، بیداری و تفکر؛
- ۶- تأمل در زندگی موقت دنیوی؛
- ۷- تدبر در احادیث معصومین (علیهم السلام) تأمل در این آثار عزت دنیوی و اخروی را به همراه دارد؛
- ۸- بررسی و مطالعه موانع نظری صیانت؛
- ۹- باور مبدأ و ایمان به غیب (سید تاج الدینی؛ مجرد، ۱۳۹۱: ۲۶۳-۲۶۲).

۲- شیوه عملی

عبارت است از افزایش تلاش و کوشش در حوزه عمل به دستورها و فرمان‌های الهی است و انجام وظایف انسانی که همان راه رسیدن به مقصود و دفع خطر انحراف‌ها که ابتلا به هرگونه ناپاکی، گناه، معصیت، خطا و لغزش می‌باشد و مبارزه با عادت‌هایی که مانع رشد انسان در عمل هستند و نیز مبارزه مستقیم با خود گناه و ترک و جبران آن، پرهیز از مجالست و همنشینی با اهل گناه و فساد و محاسبه از عملکرد بد و انجام اعمال خیر، نیک و صحیح که دربرگیرنده وجود و شخصیت انسانی می‌باشد که به شرح ذیل می‌باشد:

- تذکر و بیدار کردن شعور باطنی و فطرت درونی:

«فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ؛ پس تو ای پیامبر ایشان را تذکر بده که وظیفه تو تنها همین تذکر است.» (الغاشیه/۲۱).

«أَسْتَعْلِمُهُم بِمُصِيطِرٍ؛ و گرنه تو بر آنان تسلطی نداری، تذکر را هم تنها به کسانی بده که تذکر پذیرند.» (الغاشیه/۲۲).

- موعظه نیکو:

موعظه سخنی است که دل را نرم می‌سازد، رقت قلب ایجاد می‌کند، انسان را تسکین می‌دهد. آدمی را از هوا و هوس‌های نفسانی آگاه ساخته و او را وامی‌دارد تا با آنها به مبارزه برخیزد. موعظه، دل را از کدورت‌ها تهی می‌سازد و به آن صفا و پاکی می‌بخشد. قرآن کریم موعظه‌ای را می‌پذیرد که حسنه باشد یعنی موعظه‌ای که بتواند منشاء اثر واقع شود چنین موعظه‌ای از شرایطی چند برخوردار است که از جمله آن این است که خود گوینده به آن چه که می‌گوید عمل کند و سخنی را که بر زبان جاری می‌سازد خود به آن ایمان داشته و اثر آن در اعمال و رفتارش مشاهده شود آن موعظه‌ای می‌تواند در قلب فرد تاثیر گذارده و وی را دگرگون سازد که در خلق و خو و رفتار گوینده آن متجلی شود.

- تبشیر و انذار

" و ما پیامبران را نفرستادیم جز آنکه به مردم مژده دهند یا بیم و کافرانی که می‌خواهند به نیروی باطل، حق را از میان ببرند جدال می‌کنند و آیات و هشدارهای مرا به ریشخند می‌گیرند» (الکھف، ۵۶).

کسانی که ایمان آورده و کارهای صالح کرده‌اند نویدشان ده که بهشت‌ها در پیش دارند که جوی‌ها در آن روان است و چون میوه‌ای از آن روزیشان شود بگویند این همان است که قبلاً روزی ما شده بود، و نظیر آن به ایشان بدهند، و در آنجا همسران پاکیزه دارند و خود در آن جاودانند.» (البقره، ۲۵).

- بیان قصص گذشتگان در حفظ و نگهداری از عمل:

" اگر خواسته بودیم به سبب آن علم که به او داده بودیم رفعتش می‌بخشیدیم، ولی او در زمین بماند و از پی هوای خویش رفت. مثل او چون مثل آن سگ است که اگر به او حمله کنی زبان از دهان بیرون آرد و اگر رهایش کنی باز هم زبان از دهان بیرون آرد. مثل آنان که آیات را دروغ انگاشتند نیز چنین است. قصه را بگوی، شاید به اندیشه فروروند» (الاعراف، ۱۷۶).

هدف قرآن از بیان این داستان‌ها تفکر، عبرت گرفتن، صیانت و جلوگیری از انحراف‌ها، برطرف کردن اختلاف‌ها و آگاه کردن مردم از سنت‌های الهی در مقابل کارهای خیر و شر می‌باشد.

روش‌های پیشگیری از جرم و گناه از دیدگاه قرآن کریم

با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه جرم و گناه و بررسی ماهیت، علت‌ها و عوامل آن که در این تحقیق نیز به آن اشاره می‌شود روش‌هایی نیز تاکنون جهت پیشگیری از جرم و گناه ارائه گردیده است؛ اما متأسفانه تاکنون علی‌رغم بکارگیری آنها، موجب پیشگیری کامل و یا درمان کلی جرم و گناه نبوده است، بر این اساس تامل و نگاه اصولی به مکتب اسلامی جهت ارائه راهکارهای جدید و به روز، نیازمند بازبینی اصولی در منابع پژوهشی اسلامی است که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

۱- اعتقاد به توحید

ایمان به خدا و یاد او و اعتقاد به حضور او در همه جا ایمان به خدا و یاد او در همه حال و اعتقاد به این که همه ما در محضر خدا هستیم، از اساسی‌ترین اهرم‌های بازدارنده از گناه است، اثر و نقشی که این عقیده در کنترل انسان و سرکوب طغیان غرایز حیوانی دارد، هیچ چیز چنین اثر و نقشی را ندارد و قدرت ایمان به خدا و یاد او، در ریشه کن نمودن گناه، از همه قدرت‌ها نیرومندتر است. سازمان‌های پلیسی و موسسات اصلاحی با فقدان ایمان و تکیه گاه معنوی، هرگز نمی‌توانند در اصلاح فرد و جامعه توفیق یابند. ایمان به خدا و اعتقاد به آگاهی او بر همه چیز و حضور او در همه جا در انسان آن چنان نیرویی در برابر گناه به وجود می‌آورد که او را هم چون سپر فولادین و نفوذناپذیر در برابر گناهان می‌کند. سازمان‌های پلیسی و مؤسسات اصلاحی، هر چند قوی و گسترده باشند قادر بر جلوگیری از گناهان مخفی نیستند و هرگز نمی‌توانند نقش ضامن اجرا در کنترل گناهان در خلوت را که شامل بخش وسیعی از گناهان می‌شود داشته باشند ولی ایمان درونی می‌تواند نقش خلل‌ناپذیری در بازداری انسان از گناهان آشکار و پنهان ایفا کند، بر همین اساس در آیات و روایات، بر ایمان، برای بازداری از گناه بسیار تکیه شده است:

به عنوان نمونه در آیه ۱۴ سوره علق می‌خوانیم: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؟» آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟»

و در آیه ۱۴ سوره فجر می‌خوانیم: «إِنَّ رَبَّكَ لَبَاِئِرْصَادٍ؛ قطعاً پروردگار تو در کمین گاه است.»

و در آیه ۱۹ سوره غافر می‌خوانیم: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ خداوند چشم‌هایی را که به خیانت گردش می‌کند می‌داند و بر آنچه در سینه‌ها پنهان است آگاه می‌باشد.»

۲- اعتقاد به معاد

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْرِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْتَاعٌ الْغُرُورِ؛ همه کس مرگ را می‌چشد و به تحقیق در روز قیامت مزد اعمال شما را به کمال خواهند داد و هرکس را از آتش دور سازند و به بهشت درآورند به پیروزی رسیده است و این زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست» (آل عمران، ۱۸۵).

قرآن یک کتاب انسان‌سازی و تربیت است و در این مسیر می‌بینیم قرآن قسمت مهمی از مسائل تربیتی را از طریق ایمان به معاد و توجه به حساب و کتاب قیامت، تعقیب می‌کند. قرآن حدود ۱۴۰۰ بار از مسأله معاد و خصوصیات آن سخن به میان آورده است. بیش از یک ششم قرآن انسانها را به سوی معاد و یاد روز رستاخیز و حساب و کتاب قیامت دعوت می‌نماید.

۳- اقامه نماز

«وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ و نماز را برپای دارید و زکات بدهید و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید.» (البقره، ۴۳)

خدای سبحان بعد از ترغیب اهل کتاب به حسن فاعلی، یعنی ایمان به معارف الهی و مآثر آسمانی، آنان و نیز دیگر مخاطبان را به حسن فعلی، یعنی تحکیم پیوند عملی با خدا (نماز) و توثیق ارتباط اقتصادی با مستمندان (زکات) و حفظ وحدت و شکوه امت اسلامی در نماز جماعت و مانند آن تشویق می‌کند.

مهم‌ترین و بارزترین اثری که برای نماز بر می‌شمرند، اثر باز دارندگی و دوری از گناه است. نماز به عنوان یک عامل تربیتی و هویت‌ساز، نمازگزار را به سوی درستی و صحت سوق داده و قوه تشخیص او را در تمییز بین صواب و خطا بارور می‌سازد و در او ملکه‌ای به وجود می‌آورد که در هنگام گناه به او هشدار می‌دهد و او را متوجه پروردگار می‌سازد و از ارتکاب معصیت دور می‌کند.

۴- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ حیات انسان دارد. نخستین انسان دعوت‌کننده به نیکی، آدم بود و پس از وی نیز پیام‌آوران وحی و پیروان آنان در انجام این وظیفه مهم تلاش کرده‌اند. حضور این رادمردان در صحنه تحولات اجتماعی به اندازه‌ای چشمگیر است که می‌توان گفت همه حرکت‌های اصلاحی و دگرگونی‌های سازنده در جوامع بشری در پرتو امر به معروف و نهی از منکر آنان تحقق یافته است. اسلام نیز از پیروان خود می‌خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و در صورت

مشاهده ستم و گناه سکوت نکنند بلکه همواره دیگران را به خوبی‌ها امر کنند و از بدی‌ها بازدارند. تأکیدهای مکرر قرآن مجید در خصوص امر به معروف ونهی از منکر بیانگر اهمیتی است که اسلام برای سالم سازی محیط اجتماع و مبارزه با عوامل فساد و گناه قائل شده است. اهمیت فریضه امر به معروف ونهی از منکر تا بدانجاست که سایر فرائض و دستورهای اسلامی در پرتو اجرای آن برپاداشته می‌شود و جامعه اسلامی محقق می‌گردد؛ از این رو هرگاه در جامعه‌ای این فریضه مهم به اجرا گذاشته نشود و افراد در قبال پیاده شدن این امر خطیر احساس مسئولیت نکنند مرگ آن جامعه حتمی خواهد بود. قیام امام حسین (ع) نیز برای این اجرای این دو فریضه الهی بود.

راه کارهای نهادینه کردن صیانت و پیشگیری بین کارکنان ناجا

۱- شناخت جرایم شایع و علل و عوامل وقوع آن‌ها در بین کارکنان ناجا

پیشگیری از وقوع جرم مستلزم شناخت خود جرم است و در این راستا باید اولین وظیفه انجام تجزیه و تحلیل نظام‌مند جرم باشد چراکه جرم می‌تواند راهنمای مهمی برای پیشگیری از وقوع آن در آینده باشد. در کشور ما نه تنها پژوهش‌های منظم و عالمانه جهت شناختن عوامل و مؤلفه‌های اجتماعی جرم را بیش از پیش ضروری احساس می‌شود بلکه اساساً برای تبیین مفهوم خود جرم نیز باید اقدامات اساسی تری صورت پذیرد.

۲- آسیب شناسی مشاغل کارکنان

یکی از عمده ترین مسائلی که در رابطه با نیروی انسانی و سازمان‌ها مطرح است، مفهوم تهدیدات اخلاقی کارکنان یا آسیب‌های اداری می‌باشد. تهدیدات اخلاقی کارکنان یا آسیب‌های اداری به عنوان یکی از عمومی ترین اشکال تهدید و آسیب نیروی انسانی، پدیده‌ای است که مرزهای زمان و مکان را درنوردیده و با این ویژگی نه به زمان خاصی تعلق دارد و نه مربوط به جامعه خاصی می‌شود، به بیان دیگر از زمانی که فعالیت‌های بشر دارای شکل سازمان یافته و منسجمی شد آسیب‌های سازمانی و تهدیدات اخلاقی کارکنان همچون جزء لاینفکی از متن سازمان بروز کرد، بنابراین می‌توان چنین اذعان نمود که آسیب‌های سازمانی و تهدیدات اخلاقی، فرزند ناخواسته سازمان‌ها و دستگاه‌ها قلمداد می‌گردند که در نتیجه تعاملات و عوامل گوناگون در درون سازمان به وجود آمده‌اند. این معضلات همواره به عنوان چالش‌هایی پیش روی مدیران سازمان‌ها تلقی می‌شود که به دلیل عدم کنترل سازمان بر علل پیدایش آنها، طبیعتاً کنترل‌شان نیز بسیار دشوار می‌باشد. علاوه بر این آسیب‌های سازمانی و تهدیدات اخلاقی مستقیماً بر کارایی نظام اداری، مشروعیت نظام سیاسی و مطلوبیت نظام فرهنگی و اجتماعی آثار نابهنجاری برجای خواهد گذاشت.

آسیب سازمانی عبارت است از: عدم رعایت قوانین، مقررات، ضوابط، آیین نامه‌ها و قراردادهای جمعی از سوی هریک از کارکنان در هر جایگاه سازمانی به صورت عمد یا غیرعمد که به نوعی پیامدهای ناگوار به همراه دارد.

آسیب سازمانی یا اداری عبارت است از: اقدامات مأموران دولتی با هدف انتفاع و بهره برداری برای خود یا اشخاص دیگر یا در قبال دریافت مزد برای خود یا اشخاص دیگر که از طرق زیر انجام می‌پذیرد: نقض قوانین، مقررات و ضوابط اداری، تغییر در قوانین، مقررات و ضوابط اداری، خودداری، کندکاری یا کوتاهی در انجام وظایف قانونی در قبال ارباب رجوع، تسهیل یا تسریع غیرعادی در انجام کار برای اشخاص معین در مقایسه با دیگران، اقدامات اشخاص حقیقی یا حقوقی با هدف انتفاع و بهره برداری برای خود یا اشخاص دیگر یا در قبال دریافت مال به مأموران دولت که به منظور برخورداری از مزایا و امتیازات از راه‌های ناصحیح انجام می‌پذیرد.

۳- تربیت دینی کارکنان

تربیت دینی به معنای متخلق شدن به اخلاق الهی است که هدف بعثت تمام پیامبران است و در نظام اسلامی متعالی‌ترین هدف تلقی می‌شود. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز هدف اصلی رسالت خود را به کمال رساندن خلق‌های کریم و منش‌های بزرگوارانه معرفی کرده

است (فلاح زاده، ۱۳۸۸: ۱۷). براین اساس اسلام از یک سو دین هدایت و تربیت است و از سوی دیگر یکی از جنبه‌های زندگی انسان جنبه تربیتی اوست تا توانایی‌ها و استعداد‌های خود را شکوفا کند، لذا هنگامی که تربیت با فطرت هماهنگ باشد باعث رشد انسان می‌شود در غیر این صورت وقتی تربیت فطری نباشد به جای رشد دادن استعداد‌های عالی فطری، غرایز، امیال و شهوات انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد (رحمان دوست، ۱۳۸۵: ۱۵). لذا هرچه ایمان تقویت شود، توان پیشگیری از گناه-از جمله گناهان جنسی- افزایش می‌یابد.

۴- تقویت صیانت نفس

موانع عملی صیانت نفس عبارتند از: هوس‌مداری، کمین‌گاه‌های شیطان، بازی‌گری و دنیاگرایی. برای عبور از این موانع، رعایت موارد زیر توصیه می‌شود:

۱- پاسداشت حریم شریعت؛ ۲- پرهیز از لغزشگاه‌ها؛ ۳- مشارطه، مراقبه و محاسبه؛ ۴- جهاد اکبر؛ ۵- عمل بر خلاف خواسته نفس؛ ۶- انتخاب دوستان خردمند و مشفق؛ ۷- حسن استفاده از انتقاد دشمنان خردمند؛ ۸- نصیحت‌پذیری و حق‌گرایی؛ ۹- اطاعت از عقل و نقل؛ ۱۰- حذر از تعلق به دنیا؛ ۱۱- ذکر یاد مرگ و معاد؛ ۱۲- انجام حسنه بلافاصله پس از ارتکاب سیئه؛ ۱۳- تجهیز به سلاح تقوا؛ ۱۴- روزی حلال؛ ۱۵- ثبات قدم و استقامت؛ ۱۶- عفت چشم؛ ۱۷- عفت زبان؛ ۱۸- عفت گوش؛ ۱۹- عفت دست؛ ۲۰- عفت پا؛ ۲۱- عفت شکم؛ ۲۲- عفت جنسی؛ ۲۳- عفت فکر و دل؛ ۲۴- روزه، امساک و اعتکاف؛ ۲۵- ازدواج؛ ۲۶- استعاذه و توسل به بارگاه الهی؛ ۲۷- آراستگی به مناعت طبع؛ ۲۸- تقویت حیا در خود؛ ۲۹- عبرت گرفتن؛ (سید تاج‌الدینی؛ مجرد، ۲۶۶: ۱۳۹۱-۲۶۳).

۵- آموزش مهارت‌های حرفه‌ای

در این راستا باید به این نکته اذعان داشت که معنای بینش، وسیع‌تر و عمیق‌تر از دانش و آموزش است، بینش غالباً به معنای نوعی جهان‌بینی و ژرف‌نگری در مسائل مورد مطالعه است. به عنوان مثال به نظر می‌رسد تأثیر روزی حلال بر اخلاقیات و ارزشمندی زندگی، نزد همگان روشن نیست و غالباً از چنین معنایی غافلند. در این صورت طرح مسائلی که ماهیتاً آموزشی و توجهی بوده و هدف اصلی آن نشان دادن اقتصاد سالم و تأثیر آن در مناسبات انسانی و ارتباط‌های اجتماعی می‌تواند مد نظر قرار گیرد؛ بنابراین از جمله راهکارهای ضروری در صیانت کارکنان به روز بودن علم پلیس می‌باشد.

۶- تأمین نیازهای کارکنان

از جمله عوامل مؤثر در صیانت و پیشگیری از جرم و گناه می‌بایست (رضایت شغلی، انگیزه شغلی، فرصت‌های سازمانی، سبک مدیریت سازمانی و درک عدالت سازمانی کارکنان)، آسیب‌ها و راهکارهای اجرایی در خصوص تأمین نیازهای کارکنان را برشمرد.

۷- انتخاب فرماندهان و مدیران شایسته برای الگوسازی

در قرآن در آیات متعدد با ذکر قصه‌هایی عبرت‌آمیز که هرکدام می‌تواند الگو و نمونه‌های پرورشی مناسبی باشد بدین لحاظ که موارد خوب آن مدنظر قرار گرفته و الگوهای نامناسب کنار گذاشته شود انسان را به تفکر واداشته تا با انتخاب الگوی شایسته به سوی رستگاری و سعادت گام بردارد. سه کلمه مهم و حساس در قرآن است که تکلیف یک فرد، به طور عام و یک فرمانده را به طور خاص روشن می‌سازد:

۱- شاهد: قرآن، رسول گرامی (ص) را شاهد معرفی می‌کند:

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ [ای پیامبر] ما تو را [به سمت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده‌ای فرستادیم» (الفتح/ ۸).

غرض از شاهد آن کس است که الگو باشد. فرمانده باید شاهد باشد آن چنان که در میان جمع مردم اوضاع و احوال او را ببیند و بخواند شیوه کار و عمل او را نمونه قرار دهند.

۲- شهید: در زبان قرآن، غرض «آن کسی که می‌تواند نمونه و گواه باشد» و آدمی عمل و رفتار خود را با او بسنجد یا عمل و رفتار خود را بر اساس او نمره دهد.

" و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از آن کس که از عقیده خود برمی‌گردد بازشناسیم هر چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است." (البقره، ۱۴۳) و پیامبر (ص) برای شما نمونه و الگو باشد.

شاگرد اول یک کلاس برای اهل کلاس نمونه است؛ معلم، نمره همگان را بر اساس او می‌دهد؛ اگر نمره او بیست باشد، نمره دیگران معلوم می‌شود. فرمانده یک قسمت، نمره بیست کلاس سازمان خود اوست و نمره دیگران براساس او تعیین می‌شود.

نکته: لغت «میزان» جمع آن (موازین) در قرآن به معنی «شهادت و نمونه» است. قرآن سخن از این دارد که در روز قیامت، موازین را به محشر آورند و با آن افراد را بسنجند. و ترازوهای داد را در روز رستخیز می‌نهم پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی‌بیند و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم» (الانبیاء/۴۷).

امام صادق (ع) فرمود: «میزان ماییم». یعنی در روز قیامت، مردم را در بعد عملی و حساب، بر اساس ما می‌سنجند؛ خداوند در قیامت به ما نمره عمل می‌دهد و آن گاه مردم بر اساس نمره ما، نمره می‌گیرند. (مجمع البیان، ذیل آیه بالا).

۳- اسوه: به معنای وجودی است که رفتار، گفتار و کردارش آن قدر زیبا و به صواب باشد که دیگران خواستار تأسی از او و اقدام کننده به عمل و رفتار او باشند. خداوند در قرآن، پیامبرش را در خور تأسی ذکر می‌کند (قائمی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند (الاحزاب، ۲۱).

در صورتی که انتخاب مدیران نه براساس رابطه بلکه براساس ضابطه و با محورشایسته سالاری انجام گیرد و مدیران به معنای واقعی پاسخگوی رویدادهایی می‌باشند که در مجموعه تحت نظارتشان واقع می‌شود. در این صورت، حذف رشوه و جرم‌هایی از این قبیل از دستگاه اداری کشور کار دشوار و پیچیده‌ای نخواهد بود.

۸- نظارت و واپایش

یکی از مسائل بسیار مهم در نهادینه کردن صیانت و پیشگیری در بین کارکنان ناجا مسئله نظارت و واپایش است. در اسلام موضوع نظارت در همه سطوح و احاد مردم جامعه از رده بالای نظام اسلامی تا پایین ترین رده مورد توجه قرار گرفته است.

مهم ترین سطح آن نظارت عالی خدای سبحان است که تمام اعمال، حرکات و سکنتات و حتی نیت‌های آدمیان را مورد ثبت، ضبط و رسیدگی دقیق قرار می‌دهد. تعبیر قرآن کریم در آیه‌های ۷ و ۸ سوره زلزال (مثقال ذره) است.

پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (الزلزال/ ۷-۸).

در این سطح نظارت نامریی الهی وجود دارد. هرچه میزان ایمان و اعتقاد انسان‌ها در جامعه اسلامی بیشتر باشد، تقوا یا خودپایی فرد نیز بیشتر می‌شود.

نتیجه گیری

مفهوم جرم از منظر قرآن با مفهوم جرم در حقوق جزا و جرم شناسی متفاوت است. جرم در حقوق جزا هر فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. اما می‌توان از مفهوم لغوی و اصطلاحی واژگان به کار رفته در آیات قرآن برداشت کرد که جرم عبارت است از ارتکاب فعل حرام و ترک افعالی واجب که نتایج زیان بار آن متوجه فرد و جامعه می‌شود و این فعل و ترک فعل مستوجب عقوبت دنیوی یا اخروی می‌باشد. تعریف ارائه شده در فقه اسلامی برای جرم که توسط فقهای اسلامی و مدت‌ها بعد از نزول آیات قرآن ارائه شده منطبق با این نتیجه‌گیری است.

سیاست قرآن در صیانت و پیشگیری از جرم و گناه را می‌توان دارای سه جنبه زیر دانست.

الف) قرآن در سیاست اصلاحی خود با پرورش روحیه دین‌باوری و دین‌داری به تعالی معنوی انسان کمک می‌کند. از جمله امور مؤثر در این راه: ۱- علم به حقایق و معارف (نجم، ۲۸) ۲- اعتقاد به علم نامحدود الهی (المائده، ۷ و ۸، التوبه، ۱۶) ۳- ایمان و التزام عملی به توحید در عبادت (الزمر، ۲، البینه، ۵) ۴- ایمان به معاد و دادگاه عدل الهی (الفتح، ۶، الفاطر، ۳۶، یونس، ۹) می‌توان نام برد. قرار دادن احکام و مقررات پیشگیرانه: این احکام در قالب واجبات و محرمات مطرح شده است که یکی از واجبات نماز است که در قرآن به عنوان جلوگیری کننده از فحشا و منکر بیان شده است (العنکبوت، ۴۵، المائده، ۱۲، التوبه، ۱۸). یکی دیگر از احکام پیشگیرانه، روزه‌داری است (البقره، ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵، النساء، ۹۲، المائده، ۹۵) و دیگری امر به معروف و نهی از منکر است که افراد باید مراقب اعمال یکدیگر بوده و در ترویج فضائل و جلوگیری از وقوع جرائم تلاش کنند (آل عمران، ۱۰۴ و ۱۱۰، التوبه، ۷۱، الحج، ۴۱، اسرا، ۸۴، المومنون، ۵۳).

ب) در مرحله بعد قرآن با پیشگیری وضعی وقوع جرم را ممتنع می‌کند یا آن را کاهش می‌دهد. در اینجا وضعیتی ایجاد می‌شود که مجرم از محقق کردن قصد خود ناتوان شود مثل حفاظت از اموال و افراد. همچنین عواملی که باعث تحریک افراد به ارتکاب جرم می‌شود از بین می‌رود. از این منظر، بزه‌دیده سنگ‌بنای صیانت و پیشگیری را تشکیل می‌دهد، بنابراین با اقداماتی همچون آموزش‌های خاص به بزه‌دیدگان و تدابیر فنی و... می‌توان از وقوع جرم جلوگیری کرد.

از جمله مواردی که در قرآن کریم منطبق با پیشگیری وضعی است، توصیه به طلبکاران مبنی بر گرفتن سند یا شاهد هنگام پرداختن وجه یا مال به دیگران است که در آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره به آن اشاره شده و این اقدام از کلاهبرداری، خیانت در امانت و از انکار بعدی، جلوگیری می‌کند و همچنین ایجاد مانع در برابر مجرم و زورمندان و ساخت حفاظ «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُخَفِيَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ؟» و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند. (انبیاء، ۸۰)، «...وَجَعَلْ لَّكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَافًا وَجَعَلْ لَّكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمْ الْخَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ...» و برای شما پیراهن‌هایی آفریده که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند و پیراهن‌هایی که به هنگام جنگ حافظ شماست. (نحل، ۸۱) (الکهف، ۱۸، حدید، ۱۳) و ساخت سد توسط ذوالقرنین برای جلوگیری از نفوذ یاجوج و ماجوج «...وَفَاعَيْنُونِي بِقُوَّةٍ اجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا؛ مرا با نیرویی یاری دهید تا میان شما و آن‌ها سد محکمی قرار دهم.» (کهف/۹۵)

پس می‌توان گفت که در پیشگیری وضعی، هدف اصلی حفاظت از بزه‌دیده است ولی در پیشگیری کیفری و اصلاحی، محور اقدامات، مجرم است.

ج) قرآن با دستور به مجازات مجرمان پیشگیری کیفری و جزایی را مطرح می‌سازد. مشخص بودن مجازات برای جلوگیری از وقوع جرم بسیار مؤثر است چون هم رنج آور است و هم رسواکننده مجرم «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (المائده، ۳۳).

وقتی این‌گونه قوانین وجود داشته باشد ترس از مجازات می‌تواند مانع عملکرد مجرمان شود. زیرا طبق قواعد اصولی عقاب بلا بیان از جانب شارع مقدس قبیح است «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (التوبه، ۱۱۵) و «...وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء، ۱۵) اگر مجرم از عواقب عملش آگاه باشد و بداند که برای تخطی او قانون وضع شده و این قانون بدون هیچ گونه سهل‌انگاری اجرا می‌شود، خود را آزاد در انجام هر جرمی نمی‌داند پس وجود قانون‌های اطلاع‌رسانی و درجه بعد اجرای قاطعانه قوانین مانعی برای بروز جرم است.

در صیانت قرآنی همانند جرم‌شناسی، کیفر به عنوان راه‌حل ارائه نگردیده است و صرفاً به عنوان آخرین راه‌حل در موارد مهمی چون قتل و جرح، جرائم علیه اشخاص، زنا و تهمت زنا، که نسل را مختل می‌کند و حرمت اموال و مالکیت متزلزل می‌شود مطرح می‌گردد.

صیانت قرآنی نظر به ارتقاء و تعالی انسان ها دارد و هدایت‌های قرآن با هدف جلوگیری از سقوط انسان به ورطه انحراف و جرم است و به همین جهت خداوند متعال در قرآن کریم با شیوه‌های مختلفی پیام قرآن را که شفا، رحمت، موعظه و هدایت برای مومنین و خسران برای زیان‌کاران است به انسان‌ها ابلاغ می‌کند. ایجاد سوال، واداشتن به تفکر، برهان و جدل، ارائه مثل، ارائه الگو، تشویق و توبیخ و استفاده از تکرار برای مخاطبان مختلف خود (عموم، مؤمنان، پیامبران، کافران) از شیوه‌های پیام‌رسانی است که در قرآن کریم مشاهده می‌گردد.

کارایی عملی آموزه‌های قرآنی ارتباط مستقیم با حاکمان و حکومت صالح در جامعه‌ای اسلامی است چه اینکه حاکمیت ناصالح می‌تواند با استفاده از آموزه‌های قرآنی و تفاسیر منطبق با آنچه برای بقای حکومت خود می‌خواهند و یا براساس کج‌فهمی‌های دینی همین آموزه‌ها را پایه ای برای کارکردهای استبدادی قرار دهند گرچه نام اسلام را نیز برای حاکمیت در کنار خود داشته باشند.

پیشنهادها

- ۱- تقویت عوامل نظارتی و بازدارنده هوشمند اعم از نیروی انسانی مجرب و متعهد و تجهیزات الکترونیکی در برخی از امور حساس و افزایش بازدیدهای غیرمترقبه و انجام بازرسی مستمر غیرمحسوس توسط بازرسی کل ناجا.
- ۲- تعریف، تأمین و تخصیص بودجه مناسب جهت زمینه‌یابی‌های مؤثر نسبت به انجام بهینه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی و ارزیابی دقیق باز خورد اجرایی آن و احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر توسط معاونت طرح و برنامه و معاونت اجتماعی ناجا.
- ۳- ارتقای سطح مالی و معیشتی کارکنان با افزایش حقوق و مزایا و تصویب قوانین لازم در این خصوص و اتخاذ تدابیر حمایتی به منظور رفع مشکلات مالی و معیشتی کارکنان ناجا توسط معاونت نیروی انسانی ناجا.
- ۴- افزایش برنامه‌های آموزشی در راستای صیانت و پیشگیری از جرایم شایع برای کارکنان ناجا.
- ۵- از آنجا که در متون درسی جایگاه خاصی برای آموزش‌های حقوقی و نیز آموزش‌های لازم برای پیشگیری از انحراف‌ها بر اساس آموزه‌های قرآنی قرار داده نشده است؛ در این راستا معاونت تربیت و آموزش ناجا می‌بایست برنامه ریزی‌های موردنیاز را با استفاده از کارشناسان مجرب برای دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی و مراکز آموزش ناجا تهیه و تدوین نماید.
- ۶- شناخت علل نخستین مسئله درباره علل و انگیزه‌های لغزش و عواملی که انسان را بدان جهت سوق می‌دهد. باید دید در خانواده، مدرسه، اجتماع چه روش تربیتی و برخوردی وجود داشته که افراد مجرم را به چنان سویی برده است و ضروری است که حالات او را بررسی و مطالعه کرد و اطلاعات او را در نظر گرفت.
- ۷- تهیه طرح‌ها: تهیه دستورالعمل‌های اجرایی، هماهنگی و نظارت بر اجرای آنها در زمینه‌های قاچاق، سرقت، ضرب و جرح و انواع جرایم با ارائه راهکارهای پیشگیری اختصاصی هر جرم به تفکیک آن.
- ۸- به منظور صیانت و جلوگیری از آسیب رسیدن به نیروهای انسانی، نظارت مداوم و مستمر بر عملکرد آنان از طریق مراجع ذی صلاح ضروری می‌باشد. نظارت باید به نحوی صورت گیرد که آنان را به خدمت صادقانه، داشتن ابتکار عمل و خلاقیت تشویق نماید و به گونه‌ای نباشد که انگیزه خدمتی را از آنان سلب و یا کاهش دهد.
- ۹- گزینش و انتخاب کارکنان برای خدمت در ناجا باید متفاوت از سایر نیروها باشد و شرایط مشخص و معین برای گزینش آنان تعریف و به طور دقیق به آن عمل گردد.
- ۱۰- شناسایی کارکنانی که زمینه انحراف و کجروی در آنها مشهود است با انجام اقدامات اصلاحی و کنترلی.
- ۱۱- جلوگیری از مرافقه و ارتباط کارکنان با افراد متخلف و مجرم جامعه.
- ۱۲- توسعه خوابگاه‌ها و فضای لازم برای سکونت کارکنان مجرد.
- ۱۳- اتخاذ تدابیر حفاظتی و صیانتی لازم در مشاغل که آسیب‌پذیری کارکنان در آنها زیاد است.

۱۴- با توجه به حجم زیاد کار کارکنان ناجا به خصوص در کلانتری‌ها و پلیس آگاهی درخصوص وقت استراحت آنان چاره اندیشی شود.

منابع و مآخذ

کتاب

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن سینا، حسین، (۱۳۷۷ه.ق)، الاشارات و التنبيهات، تهران: مطبعه حیدری.
۴. الامدی التیمی، عبدالواحد، (۱۴۱۰)، غررالحکم و دررالکلم، مجموعه من الکلمات و الحکم الامام (علیه السلام)، الطبعة الثانية، قم: دارالکتاب الاسلام.
۵. ایرانشاهی، حمید، (۱۳۸۹)، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان های مسئول در قوانین ایران، چاپ اول، بهاران، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.
۶. جوادی آملی «مدظله العالی»، عبدالله، (۱۳۸۹)، ادب فنای مقربان، تحقیق و تنظیم محمد صفایی، ویرایش حسین شفیعی، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، مرکز نشر اسراء.
۷. سید تاج الدینی، علی و مجرد، محمد، (۱۳۹۱)، صیانت نفس در سپهر دین، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر ایمان، بازرسی کل ناجا، دفتر تحقیقات کاربردی.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، سوم، بیروت (لبنان): موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۹. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۳)، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۰. قائمی، علی، (۱۳۸۸)، نظارت و بازرسی در اسلام، تهران: مرکز نشر و چاپ ایران، ساع.س ناجا، معاونت آموزش، اداره کل پژوهش و تالیفات، پائیز.
۱۱. قرائتی، محسن، (۱۳۸۶)، گناه شناسی، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۲. نسل، غلامرضا (۱۳۸۷). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

مقالات

۱. توسلی، محمدحسن و مینائی راد، محسن، (۱۳۸۷)، «راهکارهای صیانت و پیشگیری کارکنان ناجا درمقابل تهدیدات و آسیب ها»، دفتر مطالعات و تحقیقات ساعس ناجا، ماهنامه پژوهش و اندیشه، شماره ۱۲، سال پنجم.
۲. رحمان دوست، منصوره، (۱۳۸۵)، «چگونه کودکانی متدین تربیت کنیم؟»، ماهنامه پیوند، شماره ۳۲۵.
۳. فلاح زاده، ناصر، (۱۳۸۸)، «فضاسازی تربیتی برای دانش آموزان»، ماهنامه پرورشی تربیت، شماره ۱، سال بیست و چهارم.